

شرح و تفسیر

نی نامه مثنوی معنوی

مهدی سیاح زاده

بخش شانزدهم

برگرفته از کتاب «و چنین گفت مولوی»

مهدی سیاح زاده

انستیتو پژوهش ایران - لس آنجلس - چاپ دوم ۱۳۸۱ (۲۰۰۲)

شرکت کتاب - لس آنجلس - چاپ اول ۱۳۸۹ (۲۰۱۰)

انتشارات مهر اندیش - تهران - چاپ دوم ۱۳۹۴ (۲۰۱۵)

۱۶

روزها گر رفت، گو: رو پاک نیست
تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست

۱۶/۱

ماندگار ترین ماندگار ها

وقتی «هستی بیگانه» شدیم (آدم شدیم)، دیگر «روزها» بی معنی است و گذشت زمان در این جهان (روزها) نه تنها برای عاشقی مثل «آدم» بی اهمیت است و باکی از رفتن روزها ندارد، بلکه آرزوی اوست که این زمان به کوتاه ترین مدت بگذرد و او به وصال «ماندگار ترین ماندگار ها» و «پاک ترین پاک ها» (سبحان الله) برسد. این است که در ادامه می گوید:

روزها گر رفت، گو: رو پاک نیست
تو بمان ، ای آن که چون تو پاک نیست

وقتی می گوید: «تو بمان» منظورش چیست؟ به چه کسی می گوید: «تو بمان» که «مانند تو هیچ پاک نیست»؟ تردیدی نیست که خطاب او به خدا است. خوب، وقتی می گوید: «تو بمان»، امکان دارد که مفهوم مخالف آن در ذهن

پدید بیاید که «ممکن هم هست که نماند.» آیا می شود خدا «نماند»؟ البته که نه. خدا، «ماندگارترین ماندگارها» است. هیچگاه و هیچ لحظه ای در حیات ما نیست که خدا «نماند». مقصود از این «تو بمان» در واقع این است که: تو با من بمان، تو برای من بمان.
